

فیلمسازان عاشق و مدیران انقلابی کاربلد

یکی از دلایل اصلی موفقیت فیلم‌هایی با موضوع جریان مقاومت را باید در وجود مدیران معتمد و دغدغه‌مند و با اراده دانست. «قناری» اگر توفیقی به‌دست آورده و به‌زعم برخی مخاطبان از آن به‌عنوان فیلمی تاثیرگذار یاد می‌شود، بیش از هر کسی مدیون یک مدیر انقلابی کاربلد است. سال ۱۳۸۲ و زمان ساخت این فیلم، آقای مجتبی مشیری، مدیر وقت مشوک دو از من خواستند کاری برای فلسطين بسازم. چون قبلا با ایشان کار کرده بودم، منتظر هیچ چیزی نماندم و تحقیقات کار را شروع کردم. قدم بعدی مشورت و همفکری با دوست بسیار خوشفکر و دارای ایده‌های درخشان به نام آقای حسین نیرومند بود که ایشان هم از بزرگان هنر کشور هستند. درواقع ایده مرکزی فیلم قتاری هم متعلق به ایشان است. ایشان کاری داشتند که روایتش مربوط به فضای دوران انقلاب اسلامی ایران می‌شد، ولی ایده مرکزی آن تلاش یک بچه برای محفوظ نگه‌داشتن پرنده‌اش از سروصداهای محیط بود. من از آقای نیرومند اجازه گرفتم و این ایده را به فضای فلسطين منتقل کردم. در مرحله اجرا هم کنار من آقای سیدمسعود اطیابی حضور داشت. در مجموع وجود تعدادی از آدم‌های دلسوز و پای کار و انقلابی باعث شد به‌رغم کمبود بودجه و دشواری تولید، فیلم خروجی خوبی داشته باشد. درمیان حدود ۱۰کاری که برای تلویزیون انجام دادم، هیچ‌کدام نبوده که مدیر مستقیم، نقش اول و ناشرگذار در آن نداشته باشد. وجود مدیر برای شروع حرکت و به سرانجام رسیدن هر کاری تعیین‌کننده است. فکر می‌کنم نقطه چنین کارهای مثبتی در زمینه سینمای مقاومت، همچنان مدیران ما هستند.



نمایی از فیلم قناری

نکته مهمی که در این میان وجود دارد و در همه دنیا تعیین‌کننده محسوب می‌شود، مرحله ایده‌پردازی است و برای ساخت هر اثر نمایشی حتما اتفاق فکر لازم است. یعنی خیلی باید ایده‌ها را جدی گرفت و برای آنها تلاش کرد و اگر در مرحله ایده، کار به یک نقطه قابل توجه برسد، دیگر بقیه کار تقریباً روال متعارفی دارد که انجام می‌شود. در همین کار قتاری حضور آقای نیرومند در مرحله ایده‌پردازی بسیار به ما کمک کرد و اگر فیلم توجهی جلب کرده، مدیون ایشان و البته همان حضور موثر آقای مشیری است.

این‌که چرا سینمای ایران در سال‌های اخیر کمتر سراغ ساخت فیلمی درباره جریان مقاومت فلسطين رفته، باید آن را ناشی از دشواری‌های تولید ژانر جنگی و دفاع‌مقدس و مقاومت دانست اما عاشقان این کار هم میان فیلمسازان ما کم نیستند. یعنی با اطمینان می‌گویم ما به لحاظ نیروی انسانی و افراد علاقه‌مند به این حوزه‌ها و مضامین هیچ کمبودی نداریم، ولی متأسفانه به دلیل آلوده شدن بخش‌هایی از تلویزیون، سینما و حرکت به سمت مناسبات ناسالم از برخی مضامین ارزشمند در تولیدات دور شدیم.

توقع زیادی است اگر شرایط دهه ۶۰ را به لحاظ روحیه، نگاه و سلامت در این دوره هم ببینیم اما باید به سطحی از سلامت در فعالیت سینماگران برسیم که نه براساس منافع بلکه براساس مصالح و نه براساس روابط که براساس شایستگی‌ها کار انجام شود. در این صورت کارهای خیلی بزرگی در زمینه سینمای مقاومت انجام خواهد شد. مطمئناً جای این کارها بسیار خالی به نظر می‌رسد و نه‌تنها مورد نیاز ما در داخل است بلکه مورد نیاز کل حوزه مقاومت و جهان اسلام هم است، درحالی‌که ما ایده، فیلمنامه‌نویس و فیلمساز و شرایطش را داریم، می‌ماند همان عنصرمدیرکاربلد که هر پروژه خوبی بستگی به حضو موثر او دارد.

فروش انفجاری «انفرادی» در ۲ روز

سه فیلم جدید اکران شده در سینماها در دو روز ابتدایی نمایش خود، میزبان حدود ۴۷ هزار و ۵۰۰ نفر مخاطب شدند و یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان هم به‌گیشه اضافه‌کردند. در این میان، فیلم کمدی «انفرادی» نشان‌داد آمده‌است زکورد‌ها را جابه‌جا کند. انفرادی، ساخته مسعود اطیابی در دو روز نخست اکران



تصویر «خلیج فارس» روی پرده سینمای ایران چگونه است؟

یک آبی کم‌رنگ



آرش شفاهی

دبیرسرویس

روز دهم اردیبهشت هرسال تقویم به ما یادآور می‌شود که امروز باید برای خلیج فارس بنویسیم، البته بهتر است بگوییم امروز به طور خاص از خلیج فارس می‌گوییم زیرا خلیج فارس بخشی از هویت و موجودیت ماست و آدمیزاد نیاز ندارد هر روز درباره خودش و هویتش حرف بزند. امسال به نظر می‌رسد، حرف زدن از خلیج فارس و تأکید کردن روی هویت ملی و اهمیت این قطعه جغرافیایی خاص در معنای ایرانی بودن، و چهی پررنگ‌تر و برجسته‌تر دارد. دلیل «حرف‌های خواننده لس‌آنجلسی در گفت‌وگو با یک رسانه آن طرف آب چنان با موجی از خشم و واکنش ایرانیان چه موافق و چه مخالف جمهوری اسلامی و چه مقیم ایران و چه مقیم خارج روبه‌رو شد که مجبور گردید مقابل دوربین بنشینند و حرف‌هایش را پس بگیرد.

وقتی خواننده گفت من ترانه خلیج فارس را در امارات نمی‌خوانم زیرا این موضوع، مسأله‌ای میان ایران و امارات است؛ همه ایرانیان پاسخش را دادند و گفتند که خلیج فارس و نام و موجودیتش نه یک مساله روزمره و سیاسی که مساله‌ای هویتی و بخشی از چیستی ما به عنوان یک ایرانی است.

در میان فیلمسازان ایرانی، محمد بزرگ‌نیا یک استثناست که با ساخت سه فیلم دریایی با پرداخت عظیم و بودجه سنگین، سعی کرده است سهم خود را به خلیج فارس ادا کند و کاش در این عرصه، تنها نبود.

اگر بخواهیم رد پای خلیج فارس را در سینمای ایران به عنوان یک موجودیت داستان آفرین که خود محوریت اصلی داستان را برعهده دارد، پیگیری کنیم شاید تنها فیلمی که در این حوزه

فروخته‌است. با این حال، فیلم پرمخاطب سال ۱۴۰۱ همچنان کمدی «سگ‌بند» با ۸۱۱ هزار و ۵۶۰ نفر است که فروش آن به ۲۶ میلیارد و ۱۴۷ میلیون تومان رسیده‌است. پس از این فیلم، «موقعیت مهدی» ۱۰۱ میلیاردا و ۵۱ میلیون تومان فروش داشته و «شاداران» با فروش هشت میلیارد و ۵۱۸ میلیونی در رتبه سوم ایستاده‌است.

خود یک میلیارد و ۲۸۴ میلیون تومان فروخت. بازی رضا عطاران در کنار مهدی هاشمی واحمد مهرانفر به‌عنوان سه نسل از سینمای کمدی ایران برگ برنده انفرادی در فروش محسوب می‌شود. «الامینور» داریش مهرجویی توانست ۲۳ میلیون تومان بفروشد و فیلم «مغز استخوان» حمیدرضا قبطی هم تنها حدود ۹۲ میلیون تومان بلیت



در پایتخت و لحاظ سختی شدن از تهران و ساخت فیلم در مناطق بخصوص و مشکلات ساخت فیلم‌های دریایی باعث شده باشد سینماگران ما ترجیح دهند وارد این حوزه نشوند. از دیگر فیلم‌هایی که به موضوع خلیج فارس اشاره کرده‌اند دهند، می‌توان به فیلم «تا آمدن احمد» (صادق صادق‌دقیقی) درباره شهدای جزیره خارک و «پی ۲۲» (حسین قاسمی‌جامی) روایت نبرد ناوچه جوشن با نیروی دریایی آمریکا اشاره کرد.

۱۳۹۵-نبرد خلیج فارس	۱۳۹۰-راه آبی ابریشم	۱۳۷۹-موج مرده	۱۳۷۷-قصه‌های کیش	۱۳۷۲-جنگ نفتکش‌ها	۱۳۶۷-کشتی آنجلیکا	۱۳۶۵-ناخدا خورشید
یک پویانمایی که به دلیل شباهت چهره فرمانده نیروهای ایرانی به حاج قاسم سلیمانی مورد توجه قرار گرفت.	فیلمی با تهیه عظیم که در ایران، تایلند و چین ساخته شد ولی شکست سختی در اکران خورد.	یک فیلم متفاوت درمیان کارهای حاتمی‌کیا که خیلی زود از حال و هوای فرم‌گرایی بیرون آمد.	فیلمی که در ساخت قسمت دوم آن بیضایی، مهرجویی و بنی‌اعتماد هم حضور داشتند.	بزرگ‌نیا باز هم یک فیلم دریایی خوب ساخت و برای این فیلم، سیم‌مرغ بلورین گرفت.	شاید بی‌اغراق، بهترین فیلم دریایی تاریخ سینمای ایران درباره وسوسه طلا در کشتی غرق شده آنجلیکا است.	یکی از بهترین اقتباس‌های سینمای ایران که داستان همنگوی در فلوریدا را به سواحل خلیج فارس آورده‌است.

ناگفته‌های خلیج فارس در انتظار پرده سینما

و «پِرل هاربر» بسازد. در برخی فیلم‌ها گاه اشاره‌ای هنرمندانه به نام خلیج فارس، کارکرد بسیاری داشته است؛ مثل فیلم «لاتاری» ساخته محمد حسین مهدویان که در صحنه‌ای از آن حمید فرخ‌نژاد وقتی می‌خواهد دلال مهر و محبت نیمه‌ایرانی نیمه‌عرب فیلم را بکشد، می‌گوید این گفت‌گجا بزرگ شده؟ خلیج. اشتباه گفت خلیج فارس! مشکل سینمای ایران در دهه اخیر این بود که می‌خواست چند کار عظیم درباره خلیج فارس بسازد که فقط یکی از آنها به نتیجه رسید و شد راه آبی ابریشم. در سایر فیلم‌ها خلیج فارس فقط در حد یک لوکیشن باقی ماند. در دل این خلیج تا نابد فارس هنوز داستان‌های زیادی مانده که نیاز به روایتی خوب و باکیفیت دارد و یکی از آنها حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری است. فیلمی که سال‌ها قبل سعید اسدی، کارگردان ایرانی تلاش فراوانی برای ساخت آن انجام داد اما متأسفانه به نتیجه‌ای نرسید.

می‌تواند در ابعادی وسیع، بهانه‌ای برای اتحاد همه ایرانیان در جهان باشد. مستندهای مختلفی هم درباره خلیج فارس ساخته شده و البته پیش از آن که تعرض‌های کلامی همسایه‌های جنوبی به این دریا آغاز شود، چند فیلم سینمایی خوب هم توسط محمد بزرگ‌نیا ساخته شد که مهم‌ترین آنها کشتی آنجلیکا و جنگ نفتکش‌ها بود اما زمانی که قرار شد در پاسخ به ادعاهای کشورهای کوچک عربی درباره خلیج فارس فیلم ساخته شود، حاصل کار شد فیلم در ظاهر عظیم راه آبی ابریشم، که بیشتر تبلیغی برای کشور تایلند و چین است تا اثری جذاب درباره خلیج فارس! اثر خلیج‌فارسی دیگر سینمای ایران فیلم «پی ۲۲» ساخته حسین قاسمی‌جامی با موضوع حمله ناو آمریکایی به ناوچه جوشن است که فیلم ضعیفی است و به هیچ وجه حق مطلب را ادا نمی‌کند و ای کاش سینمای ایران می‌توانست درباره این رویداد، فیلمی در حد و اندازه آثار هالیوودی مانند: «میدوی»

می‌کند تا در فیلم‌های سینمایی هالیوودی در جایی از فیلم، شخصیت‌ها نامی از ترکیه یا شهرهای معروف آن ببرند تا انتشار این اسم در قالب یک فیلم به تقویت هویت ملی، میهنی آن کشور منجر شده و حتی حجم فراوانی از سرمایه و توربست را روانه آن کشور کند. حماسه‌ها هم در این میان نقشی مهم دارند و کشورهای جهان سال‌هاست به دنبال بازیابی عناصر هویتی و از زیر خاک درآوردن اتفاق‌های قدیمی و فراموش شده هستند. در کشور ما سال‌هاست رویدادی حماسی به نام دفاع مقدس مورد توجه فیلمسازان قرار گرفته است. در طول همه این سال‌ها اما از یک اتفاق مهم غفلت شده و آن هم «خلیج فارس» بوده و هست. این عنصر هویتی آنقدر مهم بوده که حتی خواننده‌های لس‌آنجلسی هم به آن پرداخته‌اند. این ترانه‌ها نشان از اهمیت این عنصر هویتی دارد و گویای این مطلب است که خلیج فارس

سینما، موسیقی، ادبیات و هنرهای دیگر در کنار کارکرد «سرگرم‌کنندگی» و ویژگی مهم دیگری هم دارند؛ ایجاد و تقویت باورهای ملی. با ساخت فیلم درباره باورهای مشترک میان اقوام و نقاط برجسته تاریخی، می‌توان انگیزه‌های ملی و مذهبی را در میان مردم هر کشوری تقویت کرد و آنها را از تماشای حماسه‌های ملی، میهنی در قالب هنر غرق در غرور کرد و این کارکرد دقیقاً همان چیزی است که در ورزشی مانند فوتبال رخ می‌دهد. سال‌هاست کشورهای مختلف در جست‌وجوی عناصر هویتی و خلق آثار هنری درباره آنها هستند و از ابزاری به نام سینما بهره فراوانی می‌برند. مشخصاً کشور همسایه، ترکیه هزینه‌های فراوانی



رضا استادی

منتقد سینما

رویش حقیقت

به بهانه سالروز تولد آتِیلا پِسیانی (۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۶)



علی‌رستگار

روزنامه‌نگار

شیخی، مادر هنرمندش نداشت که در آن سال‌ها با نقش زنان سلطه‌گر شناخته می‌شد. البته این هنر آتِیلا پِسیانی بود که در ۲۷ سالگی، می‌توانست باور حضور در نقش پسری خردسال را در تماشاگر ایجاد کند.

بیبی فیس بودن و جوانی پسیانی تا سال‌ها با او بود و در ترکیب با نرمی نقش‌هایش، شمایل آرام و معتدلی از این



نخواهد شد. او در ادامه به ساخت یک سریال

هفت قسمتی از زندگی شهیدان باکری اشاره کرد و گفت: امیدواریم تا اسفند ماه و سالگرد شهادت شهیدان مهدی و حمید باکری بتوانیم آن را به مرحله پخش برسانیم.

حجازی‌فر افزود: ما تلاش مان را می‌کنیم بدون سروصدای اضافی، فیلم را در خارج از کشور نیز به نمایش بگذاریم و شاهد واکنش‌های مختلف باشیم. کارگردان موقعیت مهدی در پاسخ به سؤال دیگری گفت: جنگ ما این ظرفیت را دارد که قصه‌های جهانی از آن استخراج شود بدون این‌که بخواهیم به نفع این اتفاق، جعلی انجام دهیم یا باجی بدهیم.

والی نژاد، تهیه‌کننده فیلم موقعیت مهدی در پاسخ به سؤالی درباره دلایل وی برای ساخت این اثر، گفت: من بچه جنگ هستم و نسبت به آن تعهد دارم. انگیزه‌های شخصی مرا ترغیب به ساخت موقعیت مهدی کرد و همچنین کار کردن در کنار جوانان مرا سر ذوق می‌آورد.

در پایان جلسه پرسش و پاسخ، هادی حجازی‌فر از مخاطبان و حضار خواست اگر فیلم را دوست داشتند و آن را یک اثر موثر می‌دانند به دیده‌شدن فیلم کمک کنند.



حجازی‌فر در پاسخ به این سؤال گفت: خیر انحصار خاصی وجود ندارد اما باید انگیزه داشت تا کاری در این حوزه به اتمام برسد. هادی حجازی‌فر در ارتباط با جایگاه سیمافلم در ساخت موقعیت مهدی گفت: این فیلم اگر به نتیجه رسید به خاطر اشخاص بود نه تشکیلات و یک سیستم طراحی شده. مثلاً اگر شخص جواد رمضان‌نژاد به‌عنوان رئیس سیمافلم نبود، این کار به نتیجه نمی‌رسید یا مثلاً اگر از یک جایی آقای جیلی نمی‌آمد کار خوابیده بود. تلویزیون در این مسیر خیلی تلاش کرد. کارگردان موقعیت مهدی در ارتباط با انتشار این اثر در پلتفرم‌هایی همچون فیلمو و نماوا پاسخ داد: فیلم متعلق به تلویزیون است و در بستر تلویزیون‌های اینترنتی منتشر

اکران خصوصی فیلم «موقعیت مهدی» ویژه دانشجویان دانشگاه صداوسیما با حضور کارگردان و تهیه‌کننده این فیلم برگزار شد. موقعیت مهدی در سالن آمفی‌تئاتر دانشگاه صداوسیما همراه با استقبال ویژه دانشجویان این دانشگاه اکران شد و دانشجویان در کنار حجازی‌فر و والی نژاد این اثر را تماشا کردند.

دکتر شهاب اسفندیاری، رئیس دانشگاه صداوسیما ضمن تقدیر از کارگردان موقعیت مهدی از اهمیت ساخت فیلم‌ها و سریال‌هایی در ژانر دفاع مقدس گفت و افزود: پیوند نسل جدید با چند دهه پیش کار دشواری است اما این اتفاق در موقعیت مهدی اتفاق افتاد؛ نسل جوان تا آخر پای فیلم نشست و پر کردن این فاصله زمانی بین نسل‌ها از هنرمندی کارگردان اثر است. پس از پایان فیلم، مراسم به شکل پرسش و پاسخ ادامه یافت و دانشجویان سؤالاتی درباره فیلم و نحوه ساخت آن و همچنین نحوه روایت برخی زوایای زندگی شهیدان باکری مطرح کردند که کارگردان و تهیه‌کننده به این سؤالات پاسخ دادند. دانشجویی پرسید آیا در سینمای دفاع مقدس ایران انحصار خاصی وجود دارد؟



برای دیدن این سکانس، بارکد زیر را اسکن کنید.

